

به نام خدا

معنی شعر درس یازدهم (یاران عاشق)

بیت اول: بیاید تا به راه و رسم عاشقی پایند باشیم و حکایت یاران عاشقی را که از بین ما رفته اند ، بگوییم.

بیت دوم: از کسانی یاد کنیم که راه شهادت را با شجاعت و پشت سر گذاشتن خطر، طی کرده اند.

بیت سوم: از کسانی حکایت کنیم که فریادشان مانند خورشید از گلوی امید بخش و روشنگرِ مانند صبحشان طلوع کرده است.

بیت چهارم: داستان کسانی را بگوییم که از دل و جان عاشق بوده اند و عاشقانه هم به شهادت رسیده اند.

بیت پنجم: وقتی که آن شهیدان با بدن هایی بدون سر و پا جان می دادند، سرود عشق را این چنین زیبا می خوانند:

بیت ششم: ای کسی که روح عاشق و وجود معشوق حقیقی ما را باور نداری، با این ناباوری، روح ما را مجروح کن.

بیت هفتم: بر روح ما زخم بزن که این زخم برای عاشق مثل داروست. اگر عاشق واقعی بدون زخم بمیرد، غمگین می شود.

بیت هشتم: ای عاشق، اگر جان تو در عشق سوخت و رنج عشق را تحمل کردی، بر زبان نیاور و اعتراض نکن، زیرا اولین شرط عاشق بودن، تسلیم در برابر سختی هاست.

بیت نهم: شهیدان این کشور را ببین. این ها مانند لاله هایی هستند که با وجود خاموشی، فریادشان تا بارگاه خداوند می رسد.

بیت دهم: بیاید با شهیدان عهد و پیمان ببندیم تا همواره از آنان و اهدافشان پشتیبانی کنیم.

کاربرگ مربوط به انواع صفت

کلمه‌های انواع صفت را در عبارات زیر با قید نام آن‌ها مشخص کنید.

الف) جدول را بر اساس سوال مطرح شده کامل کنید.

| | |
|----------------------------|---------------------|
| ماهگیر: | شکافته: |
| دریایی: | پرتحرک: |
| عادی: | قایق رانان: |
| چند روز آینده: | هر مرغ دریایی دیگر: |
| مرغ دریایی محدود و بیچاره: | زودگذر: |
| یک بال کوتاه: | خفیف: |
| مکان دورافتاده: | نان مانده: |

ب) نام صفت‌های به کار رفته در عبارت را بنویسید.

* چه اندوه جانکاه و مصیبت سختی بود که اکنون این مرد می‌بایست همه اشیای عزیز را ترک کند و خاک وطن را وداع ابدی گوید.

* نویسنده با استفاده از داستان رستم و اسفندیار و گنجاندن اصطلاحات امروزی در آن، نوشته را از حالت شناخته شده آن خارج کرده است. این بیان غیر متعارف و خنده دار و هر نوشته‌ای از این گروه، نوعی نقد اجتماعی محسوب می‌شود و تاثیر آن در همان زمان به نحو بارزی نمودار خواهد شد.

* آسمان کویر، این نخلستان خاموش که هر گاه مشت خونین قلبم را باران غیبی سکوتش فرا می‌گیرد و نگاه‌های اسیرم، همچون پروانه‌های شوق در این مزرع سبز آن دوست شاعرم رها می‌شود، ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند را می‌شنوم.

* ادبیات تطبیقی، یکی از شاخه‌های مهم علوم ادبی معاصر است که ما را از تاثیرپذیری ادبیات ملت‌های مختلف جهان آگاه می‌سازد. شکوفایی و تکامل ادبیات هر ملت به دور از اندیشه‌های ادبی دیگر ملت‌ها، ناممکن است.

* در دوره اول، رمان شکل سنتی داشت و نویسندگان به سبک رئالیستی می‌نوشتند و در حقیقت نقش گزارشگر را داشتند، یعنی هر نویسنده می‌توانست از وقایع و امور عکس برداری کند. اینان با تشریح دقیق خصوصیات ظاهری اشخاص رمان، صفحات داستان را سیاه می‌کردند.

ادبیات حماسی

حماسه در لغت به معنی دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح، شعری است داستانی با زمینه قهرمانی، قومی و ملی که حوادثی خاق العاده در آن جریان دارد. در این نوع شعر، شاعر هیچ گاه عواطف شخصی خود را در اصل داستان وارد نمی کند و آن را طبق میل خود تغییر نمی دهد. به همین سبب در سرگذشت یا شرح قهرمانی های پهلوانان و شخصیت های داستان خود هرگز دخالت نمی کند و به میل خود در مورد آن ها داوری نمی کند. «شاهنامه فردوسی»، «ایلیاد و اودیسه هومر» و «بهشت گمشده میلتون» از مشهورترین حماسه سرایی های جهان هستند.

ویژگی های ادبیات حماسی:

(۱) زمینه داستانی: یعنی اتفاقات در بستری از داستان شکل می گیرد. پس حماسه را می توان مجموعه ای از حوادث دانست.

(۲) زمینه قهرمانی: بیشترین موضوع حماسه را اشخاص و حوادث تشکیل می دهند. و وظیفه شاعر حماسی آن است که تصویرساز انسان هایی باشد که هم از نظر مادی ممتازند و هم از لحاظ نیروی معنوی. قهرمانان حماسه با تمام رقتی که از نظر عاطفی و احساسی در آن ها وجود دارد، قهرمانان ملی هستند.

(۳) زمینه ملی: حوادث قهرمانی که به منزله تاریخ خیالی یک ملت است در بستری از واقعیات جریان دارند. واقعیاتی که ویژگی های اخلاقی نظام اجتماعی، زندگی سیاسی و عقاید آن جامعه را در مسائل فکری و مذهبی در بر می گیرند. شاهنامه نیز تصویری است از جامعه ایرانی در جزئی ترین ویژگی های حیاتی مردم آن. در همان حال که با خواندن شاهنامه از نبردهای ایرانیان برای کسب استقلال و ملیت در برابر ملل مهاجم آگاهی می یابیم، از مراسم اجتماعی، تمدن و مظاهر مدنیت و اخلاق ایرانیان و مذهب ایشان و حتی خوشی های پهلوانان و بحث های فلسفی و دینی آنان مطلع می شویم.

(۴) زمینه خرق عادت: از دیگر شرایط حماسه، جریان یافتن حوادثی است که با منطق و تجربه علمی سازگاری ندارد. در هر حماسه ای، رویدادهای غیز طبیعی و بیرون از نظام عادت دیده می شود که تنها از رهگذر عقاید دینی عصر خود، توجیه پذیر هستند. هر ملتی، عقاید ماورای طبیعی خود را به عنوان عاملی شگفت آور در حماسه خویش به کار می گیرد. بدین گونه است که در همه حماسه ها، موجودات و آفریده های غیر طبیعی، در ضمن حوادثی که شاعر تصویر می کند، ظهور می یابند. در شاهنامه نیز وجود سیمرغ، دیو سپید، رویین تن بودن اسفندیار و عمر هزار ساله زال و ... عناصر و پدیده هایی هستند که همچون رشته هایی استوار زمینه تخیلی حماسه را تقویت می کنند.

انواع ادبیات حماسی:

از نظر موضوع حماسه به چهار گروه حماسه اساطیری، حماسه پهلوانی، حماسه های دینی یا مذهبی و حماسه های عرفانی تقسیم بندی می شود.

۱) حماسه اساطیری: اصیل ترین و قدیمی ترین نوع حماسه که مربوط به دوران ماقبل تاریخ است و بر مبنای اساطیر شکل گرفته است. از این نوع حماسه می توان به حماسه سومری گیل گمش، بخش اول شاهنامه فردوسی تا داستان فریدون، بخش هایی از ایللیاد و اودیسه، بخش هایی از تورات، مهابهاراتا و رامایانا اشاره کرد.

۲) حماسه پهلوانی: حماسه هایی که درباره زندگی پهلوانان صحبت می کند. این حماسه ممکن است جنبه اساطیری یا تاریخی داشته باشد. در این نوع حماسه، قهرمان حماسه معمولاً از میان مردم برخاسته و یک پهلوان مردمی است و مرگ برای او بهتر از ننگ است. مانند: رستم، زال، گودرز، بیژن و ...

۳) حماسه دینی یا مذهبی: قهرمان این نوع از حماسه، یک شخصیت مذهبی است و اساس داستان بر مبنای یکی از اصول مذاهب است. مانند: کمدی الهی دانته و حمله حیدری و ...

۴) حماسه عرفانی: از جمله حماسه هایی که در ادبیات فارسی فراوان دیده می شود؛ حماسه عرفانی است. در این نوع از حماسه، قهرمان داستان پس از گذر از مسیری سخت و خطرناک و شکست دادن دیو نفس سرانجام به پیروزی و جاودانگی از طریق فنا فی ا... دست می یابد. مانند داستان حلاج در تذکره الاولیای عطار و منطق الطیر.